

خطاهای دستور زبانی قرآن برگرفته از نسک ۲۳ سال علی دشتی گردآوری: شامین مهرآذر

بعضی را عقیده بر این است که الفصول و العایات را ابوالعلاء معری به قصد رقابت با قرآن انشاء کرده و از عهده بر آمده است. ترکیبات نارسا و غیر وافی [تا تمام و ناکامل] به معنی و مقصود و نیازمند تفسیر، واژه های بیگانه یا نامأنوس به زبان عرب استعمال کلمه در معنی غیر متداول، عدم مراعات مذکر و مؤنث یا عدم تطابق فعل با فاعل یا صفت با موصوف و ارجاع ضمیر بر خلاف قیاس و دستور، یا به مناسبت سجع دور افتادن معطوف از معطوف علیه و موارد عدیده ای از این قبیل انحرافات در قرآن هست که میدانی برای منکران فصاحت بلاغت قرآن گشوده است و خود مسلمانان متدین نیز بدان پی برده اند و این امر مفسران را به تکاپو تاویل و توجیه برانگیخته است و شاید یکی از علل اختلاف در قرائت نیز این باشد چنانکه «یا ایها المتدثر» «یا ایها المدثر» شده است و مفسر مجبور است بگوید «ت» به «د» تبدیل و در «د» ادغام شده هاست. همچنین یا «ایها المترمل» که «یا ایها المزملم» شده است. در سوره نساء آیه ۱۶۱ چنین آمده است: «لَکِن الرّٰسِخُوْنَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ... وَ الْمُقِیْمِیْنَ الصَّلٰةَ وَ الْمُؤْتُوْنَ الزَّکٰةَ...» [لیکن راسخین در علم و مؤمنین... و بر پا دارندگان نماز و دهندگان زکات].

جمله «مقیمین الصلوه» باید مانند «راسخون»، «مؤمنون» و «مؤتون» در حال رفع و به صورت «مقیمون» نوشته شود. در سوره حجرات آیه ۹ «وَ اَنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَقْتُلُوْا» [و اگر دو گروه از مؤمنان کارزار کنند با هم] [حرف «ن» فاعل جمله، کلمه «طائفتان» است. بر حسب اصل در زبان عربی فعل می بایستی «اقتلتنا» باشد تا با فاعل مطابقت کند.

آیه ۱۷۷ سوره بقره که در جواب به اعتراض یهود است راجع به تغییر قبله از مسجد الاقصی به کعبه مضمون زیبا و ارجمندی دارد: «لَیْسَ الْبَرُّ اَنْ تُؤْتُوْا وَ جُوْهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَکِنَّ الْبَرُّ مِنْ اَمَنْ یَّاتِیْهِ وَ الْیَوْمَ الْاٰخِرَ». یعنی خوبی در این نیست که روی به مشرق آورند یا مغرب. خوبی کسی است که ایمان به خدا و روز بازپسین آورد. «که» عطف شخص است به صفت و باید چنین باشد. خوبی روی آوردن به مشرق یا مغرب نیست، بلکه خوبی آن است که به خدا ایمان آرد.

به همین جهت تفسیر جلالین جمله «لکن البر» را چنین توجیه می کند «و لکن البر». مُبرَد³³ که یکی از بزرگترین علمای نحو است با ترس و لرز می گفت اگر من به جای یکی از قراء بودم این کلمه «بر» را با کسر نمی خواندم، بلکه با زبر و مفتوح می خواندم تا «بر» مخفف «یار» باشد و معنی نکوکار دهد و به همین دلیل مطعون [سرزنش شده] شد و وی را سست ایمان گفتند.

در آیه ۶۳ سوره طه قوم فرعون راجع به موسی و برادرش هارون می گویند ان هذان لساحران. در صورتی که اسم بعد از حرف «آن» [هَذَا] باید در حال نصب باشد و «هذین» گفته شود و معروف است که عثمان و عایشه نیز چنین قرائت کرده اند. برای اینکه به تعصب و جمود در عقیده اشخاص پی ببریم، خوب است رأی یکی از دانشمندان اسلامی را که

²⁸ [ابو منصور عبدالقادر بغدادی مؤلف کتاب الفرق بین الفرق متوفی ۴۲۹ هجری. این کتاب بسیار ارزشمند به قلم و اهتمام استاد دکتر محمد جواد مشکور زیر عنوان تاریخ مذاهب اسلام ترجمه و منتشر شده است]

²⁹ [ابوالحسین احمد بن یحیی بن راوندی اصلاً از مردم راوند، میان اصفهان و کاشان از متکلمان معروف به شمار می رود (۲۴۵-۲۰۵ هجری)]

³⁰ [ابومحمد بن حزم آندلسی، ایرانی نبار، اجداد او اسپران جنگی بودند. او اواسط قرن دهم میلادی متولد و اواسط قرن یازدهم وفات کرد. آثار فراوانی به زبان عربی در ادبیات و موضوعات اسلامی دارد]

³¹ [ابوالحسین عبدالرحمن بن محمد خیاط (۹۲۰-۸۴۰ م) یکی از بنیانگذاران مکتب معتزله. وی معتقد بود که خداوند دارای اعضای جسمانی است]

³² [معتزله فرقه معتبری بودند در اسلام که در اواخر عصر بنی امیه ظهور کردند و تا چند قرن در مسائل اسلامی تأثیر گذاشتند. مؤسس این فرقه واصل بن عطا از شاگردان حسن بصری (مرگ ۱۱۰ هـ ق) بود که با کمک عمرو بن عبید این فرقه را پدید آورد. پیروان این فرقه را در فارسی «عدلی مذهب» نیز می گفتند. ظهور این فرقه سبب ایجاد یک نهضت و تحول بزرگ فکری در اسلام شد و مسلمین را با علوم و فلسفه آشنا کرد زیرا اینان برای اثبات عقاید و افکار خود از قبیل توحید، نفی جسمیت خدا، عدم امکان رؤیت خدا، عدل و اختیار و غیره از فلسفه استفاده می کردند و به مباحث عقلی و منطقی متوسل می شدند. روی همین اصل مورد بغض و کینه شدید اغلب فرقی اسلامی مخصوصاً محدثین و اشاعره بودند. این فرقه در حقیقت بنیانگذار علم کلام در اسلام هستند و آیات قرآن را تأویل و توجیه می کردند. معتزله به حدود بیست فرقه تقسیم شدند]

³³ [مؤید. محمد بن یزید نحوی بصری. حدود ۲۸۵-۲۱۰ هجری قمری، در نحو و لغت از مشاهیر ادب عرب است و تألیفات سودمند فراوان دارد. مشهورترین آنان کتاب «الکامل» در لغت می باشد که از ارکان ادب و کلام به شمار می رود]

در جایی خوانده ام نقل کنم. این دانشمند می گفت این اوراقی که به اسم قرآن در میان دو جلد قرار گرفته است به اجماع مسلمین کلام خدا است. در کلام خدا اشتباه راه نمی یابد. پس این روایت که عثمان و عایشه به جای «هذا» «هذین» خوانده اند، فاسد و نادرست است.

تفسیر جلالین به طرز ملامتگری به رفع اشکال برخاسته و می گوید در این تثبیه در هر سه حالت نصب و رفع و جرّ با الف آورده می شود ولی ابو عمرو نیز مانند عثمان و عایشه «هذین» قرائت می کرده است.

در سوره نور آیه ای [۳۳] است شریف و انسانی که ما را از وجود یک رسم زشت و ناپسند در آن زمان آگاه می کند:

«لَا تَكْرَهُوا قِتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيُنْثَوُا عَرَضَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ قَانَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

[یعنی] دختران خود را برای تحصیل مال به زنا مجبور نکنید. کسی که آنها را مجبور کند پس از مجبور کردن آنها خداوند آمرزنده و رحیم است.

پرواضح است که قصد پیغمبر نهی از یک کار زشت و ناپسند است. یعنی کسانی که کنیز و برده دارند، به قصد انتفاع و به جیب زدن مزد همخوابگی آنان، آنان را به نزد حریف نفرستند و به زنا مجبور نکنند.

و باز واضح است که قصد از جمله «فان الله من بعد اكراهين غفور رحيم» این است که خداوند بر کنیز و برده ای که به امر مولای خود تن به زنا داده است می بخشد. ولی ظاهر چنین است که خداوند نسبت به مرتکبان این عمل، غفور و رحیم است. پس عبارت نارسا و به مقصود شریف پیغمبر وافی نیست و به رأی ابراهیم نظام درباره قرآن اشاره کردیم و باید اضافه کرد که او در این رأی تنها نیست. بسی از معتزلیان دیگر چون عبادین سلیمان³⁴ و فوطی³⁵ که همه از مؤمنان بنامند، با وی هم رأیند و این عقیده را میان اسلام و ایمان خود نمی دانند.

بدیهی است نام متفکر بزرگ و روشنفکرترین مردان عرب، ابوالعلاء معری را به میان نمی آوریم که منشآت خود را اصیل تر و برتر از قرآن می دانست.

باری بیش از صد مورد انحراف از اصول و استخوان بندی زبان عربی را از این قبیل که اشاره شد ثبت کرده اند و نیازی به گفتن نیست که مفسرین و شارحان قرآن در توجیه این انحرافات کوششها و تأویلهای کرده اند و از آن جمله است زمخشری³⁶ که از ائمه زبان عرب و از بهترین مفسران قرآن کریم به شمار می رود و یکی از ناقدان اندلسی، [که] نامش را به خاطر ندارم، درباره وی می گوید این مرد ملا نطقی و مقید به قواعد زبان عرب یک اشتباه فاحش کرده

است. ما نیامده ایم قرائت را بر دستور زبان عربی منطبق سازیم. تکلیف ما این است که قرآن را درست قبول کنیم و قواعد زبان عرب را بر آن منطبق سازیم.

این سخن تا درجه ای درست است. فصیحای بزرگ [هر] قومی نماینده دستور زبان ملت خویشند. ولی از این بابت که در استعمال کلمات و ترکیب جمله از اصول متداول و رایج و قابل فهم و قبول عامه دور نمی شوند مگر ضرورتی آنان را به مسامحه بکشاند. حسن بیان و شعر خوب قبل از اسلام در ملت عرب نشو و نما کرده و قواعد زبان عرب استوار گردیده بود. مسلمین معتقدند که قرآن در فصاحت و بلاغت از تمام موالیذ قریحه فصیحان قبل از خود برتر است. پس باید کمتر از همه آنها از اصول زبان و ضوابط فصاحت منحرف شده باشد.

گفته ناقد اندلسی از این حیث هم خدشه پذیر است که قضیه را معکوس طرح می کند. قضیه بطور اساسی باید اینطور طرح شود:

قرآن در حد اعلای فصاحت است. به درجه ای که بشر از آوردن مانند آن عاجز است، پس کلام خداست. پس آن کسی که آن را آورده است پیغمبر است.

ولی ناقد اندلسی می گوید قرآن کلام خدا است پس اصیل و غیر قابل ایراد است. یعنی هرگونه انحراف از اصول زبان عرب در آن اصل است و باید قواعد زبان عرب را تغییر داد.

به عبارت دیگر می خواهند فصاحت و بلاغت قرآن را دلیل نبوت حضرت محمد قرار دهند تا منکران را متقاعد سازند. ولی ناقد اندلسی نبوت حضرت را امری مسلم می داند و چون او گفته است قرآن سخن خدا است پس دیگر در هرگونه گفت و شنود بسته است و باید درست آن را قبول کرد.

با همه اینها قرآن ابداعی است بی مانند و بی سابقه در ادبیات جاهلیت. در سوره های مکی مانند سوره «والنجم» انسان به یک نوع شعر حساس و حماسه روحانی بر می خورد که نشانه ای از قوت بیان و استدلال خطابی محمد است و نیروی اقتاعی در آن نهفته است.

-
- ³⁴ [عباد بن سلیمان در حدود ۸۷۰ میلادی فوت کرد. از سران معتزله و از طرفداران هشام بن عمرو فوطی بود. او آثار فراوانی دارد]
- ³⁵ [هشام بن عمرو فوطی از سران معتزله در اواخر قرن نهم میلادی درگذشت]
- ³⁶ [محمد زمخشری در حدود سال ۱۰۷۵ میلادی در سمرقند متولد شد. از زیان‌شناسان و علمای بزرگ اسلامی. زمخشری به زبان عربی می‌نوشت و فقط زبان فارسی را در تدریس به کار می‌برد. مهمترین کار او تفسیر قرآن به نام «الاکتشاف» است. کتاب صرف و نحو او در زبان عرب هنوز مورد مراجعه اعراب است. زمخشری در سال ۱۱۴۴ میلادی وفات کرد]